



و. س. ناپیل راوی آوارگی و غربت است. او فیلسوفی مدرن در دنیای پسااستعماری است که آوارگی خویش را بردوش می‌کشد.

ویدیا دهر سوراجپاسد ناپیل نویسنده بریتانیایی ترینیدادی - هندی (- ۱۹۳۳) از خانواده‌ای از تبار هندوهای مهاجر شمال هندوستان است. پدرش نویسنده و روزنامه‌نگار بود و پیش از آن که شاهد موفقیت‌های فرزندش در عرصه ادبیات شود، بر اثر سکت قلبی چشم از جهان فرو بست. ناپیل جوان در ۱۸ سالگی به دنبال دریافت بورسیه‌ای از دانشگاه آکسفورد از هندوستان عازم انگلستان می‌شود و در سال ۱۹۵۳ لیسانس خود را در رشته هنر اخذ می‌کند. پس از آن در انگلستان سکونت می‌گزیند. سفرهای بسیاری به آسیا، آفریقا و آمریکا می‌کند و در آثار خویش این سه قاره را با دید انتقادی، به هم می‌پیوندد. او تمام سالهای زندگی خود را - صرف نظر از چند سالی که به صورت روزنامه‌نگار آزاد با بی بی سی همکاری نمود - صرف نویسندگی کرده است. نادیرا لوی، روزنامه‌نگار صاحب‌نام، همسر مسلمان ناپیل است که برخی کتابهای ناپیل به او تقدیم شده است.

ناپیل علاوه بر مان و داستان کوتاه، برخی آثار خود را به شکل مستند می‌نگارد. او نویسنده‌ای جهان‌شهری است که از فقر معنوی و فرهنگی مردم جهان به خصوص آسیا عذاب می‌برد و خود را از هندوستان بیگانه می‌بیند و این در حالی است که از درک ارتباط و شناخت ارزشهای سنتی انگلستان نیز عاجز می‌ماند. این تصویری است که در داستانهای او با بیانی محکم رخ می‌نماید.

ناپیل اولین اثر خود را در اواخر دهه ۱۹۵۰ منتشر

می‌کند. در سال ۱۹۵۷ «مشت مالچی عارف» را می‌نگارد. «خیابان میگل»^۱ (۱۹۵۹) در واقع خداحافظی او با ترینیداد است. او نام «بوگارت» یکی از شخصیت‌های داستانش را از فیلم کازابلانکا اقتباس می‌کند. ب. وردزورث یکی دیگر از شخصیت‌های این اثر است که شعر خود را به بهای چهار سنت می‌فروشد. راوی داستان پسری است که پس از آن که بزرگ می‌شود و می‌تواند برای خود درآمدی به دست آورد، برای تحصیل به خارج می‌رود: «آنها را ترک کردم، سریع به فرودگاه رفتم، به پشت سرم نگاه نکردم، تنها به سایه‌ام نگاه می‌کردم که در مقابلم بود، کوتوله‌ای رقصان روی آسفالت».

«خانه‌ای برای آقای بیسواس» (۱۹۶۱) به عقیده بسیاری از منتقدین، شاهکار او و یکی از زیباترین رمانهای انگلیسی معاصر است. این داستان که ساختاری تراژدی - کمدی دارد، نمایانگر تلاش‌های (آقای بیسواس) مردی هندی برهمایی تبار برای یافتن استقلال و هویت است. ناپیل این شخصیت پروتوگونئیست داستان را تا حدودی از شخصیت پدر خود مدل‌سازی می‌کند؛ درباره این ارتباط می‌گوید «پدرم مرد عمیقی بود، زخمهای او عمیق‌تر از آن است که کسی بتواند به راحتی از آن سخن بگوید». بیسواس مردی است که از بدو تولد با بداقبالی رو به روست، اما تنها آرزوی او این است که خانه‌ای از آن خود داشته باشد. در این مسیر تلاش می‌کند و شغل‌های متفاوتی برمی‌گزیند. ناپیل در این اثر هندوستان را در حاشیه امپراطور انگلستان به تصویر می‌کشد.

پس از موفقیت و شهرت بسیاری که کتاب آقای بیسواس نصیب ناپیل می‌کند، دید جغرافیایی و اجتماعی گسترده‌تری را مدد می‌گیرد تا با ناامیدی تمام تأثیرات نظام‌های استعماری و ظهور ملی‌گرایی را در جهان توصیف کند.

دولت ترینیداد در سال ۱۹۶۱ بورسیه سفر به او اهدا می‌کند. ناپیل در سفرهای متعدد، در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ به هند، آمریکای جنوبی، آفریقا، ایران، پاکستان و مالزی و آمریکا می‌رود. در سال ۱۹۷۷ اثر «هند، تمدن مجروح»^۲ و «در خم رود» را در سال ۱۹۷۹ خلق می‌کند. خم رود با همان ناامیدی درباره آفریقا و همراه‌شدگی نوع انسان سخن می‌گوید. این داستان در کشوری مشابه اوگاندا اتفاق می‌افتد. خانواده «سلیم» راوی مسلمان داستان، تاجران هندی تباری هستند که سالها است در آفریقا زندگی می‌کنند. سلیم در خم رودی که از شهر می‌گذرد، مغازه‌ای برپا می‌کند... در این اثر نیز شخصیت پروتوگونئیست یک غریبه و خارجی است که درمی‌یابد مسیر زندگی‌اش تقریباً به پایان رسیده و بالاخره باید از همه چیز دست بکشد و برود.

در سفرنامه‌ها و آثار مستند خود تصویر هندوستان، کشور اجدادی خود را به رخ می‌کشد (هندوستان: یک میلیون شورش ۱۹۹۰) و به ارزیابی انتقادی بنیادگرایی اسلامی در کشورهای غیرعرب نظیر اندونزی و ایران و مالزی و پاکستان دست می‌زند. او با مطرح ساختن نقطه‌نظرهای سیاسی نادقیق درباره جهان سوم بحث‌های بسیاری را دامن زده است.



بیگانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در رمان «معمای رسیدن» (۱۹۸۷) که در بیانیه جایزه نوبل شاهکار او ارزیابی شده است، ناپیل نویسنده‌ای اهل کارائیب را روایت می‌کند که پس از سالها سرگردانی، لذت بازگشت به وطن را می‌چشد. این اثر تا حدودی سبک و سیاق خودنگاری به خود می‌گیرد. او با دیدی مردم‌شناختی، قبیله‌ای را که در جنگل زندگی می‌کنند، مورد مطالعه قرار می‌دهد و فروپاشی آرام مستعمره‌ای قدیمی، و فنا و نیستی همسایگان اروپائی را به نمایش می‌گذارد.

ناپیل رمان را به عنوان یک فرم ادبی فاقد ویژگی جهان‌شمولی می‌داند. رمان به دید وی در واقع دنیای آرام و بدون خشونت انسانی را پیش‌فرض خود قرار می‌دهد و گویی که تنها فقط برای انسانهای فاتح مهیا شده است. او ناکافی بودن اثر داستانی را در کتاب «فقدان ادوار دو» (۱۹۶۹) تجربه می‌کند. در این اثر او پس از مطالعه و تحقیق بسیار، تاریخ استعماری و رقت آور ترینیداد را به تصویر می‌کشد. او دریافته است که در نگارش باید به اصالت جزئیات و صداها روی آورد و از داستان‌سرایی صرف امتناع کند.

در اثر «راهی در دنیا» (۱۹۹۴) او به تجربه‌ای دست می‌زند که بازی بین نثر، خاطرات و تاریخ دارد. تاریخ قضوی استعمار است. در ۹۱ بخش ظاهراً مستقل که به واسطه موضوعاتشان به یکدیگر مرتبط می‌شوند، به چگونگی درهم‌آمیزی سنن کارائیب و هند می‌پردازد.

ناپیل علاوه بر جایزه نوبل ۲۰۰۱ بسیاری دیگر از جوایز معتبر ادبی را از آن خود کرده است که از آن جمله‌اند: جایزه بوکر (۱۹۷۱) برای کتاب «کشوری آزاد»؛ جایزه ادبیات خلاق تی. اس الیوت (۱۹۸۶) و جایزه سامرست موام... و اکنون در ۶۹ سالگی صاحب بیش از ۲۰ عنوان کتاب است که بسیاری از آنها از بی‌نظیرترین آثار ادبی قرن ۲۱ به شمار می‌رود.

آخرین اثر او «نیمه زندگی»^۳ (۲۰۰۱) چندین روز

پس از اعلام جایزه نوبل منتشر شد. «ویلی چادروان» شخصیت کلیدی این اثر در دهه ۱۹۳۰ در هند به دنیا می‌آید و پس از چندی به لندن می‌رود و به محافل برهمنی تمایل می‌یابد، کتابی منتشر می‌کند و با «آنا» ازدواج می‌کند، زنی دورگه آفریقایی تبار. با او به آفریقا می‌رود و به طبقه خانوادگی او می‌پیوندد. اما او دیگر نمی‌تواند به راحتی با خود سازگاری یابد: پسر یک برهمن جوان که با زنی ازدواج کرده است که هندیان او را ناپاک‌زاده می‌دانند و در وطن همسر خود نیز که ساختار مستعمراتی‌اش در حال فروپاشی است، احساس غربت و بیگانگی می‌کند. نویسنده در آخرین اثر خود نیز غربت و بیگانگی را، در چشمان خواننده خویش می‌خواند.

منابع انگلیسی:

- 1- The Noble citation from swedish academy October 12, 2001.
- 2- Slepoy Graciel Moreira, V. S. Naipaul, the Questioning of Historical Documents and sources in a Bend of River.
- 3- C.J.S. Wallia, Beyond Belief, V.S. Naipaul, N. Y. Random House, 1998.
- 4- Kakutani Michiko -Naipaul's latest Parable of Dislocation, The newyork times , October 16, 2001.
- 5- V.S. Naipaul - Half a life - 2001.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- خیابان میگل (۱۹۵۹) توسط آقای مهدی غبرایی ترجمه شده است.
- ۲- هند، تمدن مجروح (۱۹۷۷) توسط شادروان احمد میرعلایی به فارسی ترجمه و منتشر شده است.
- ۳- فصل نخست این کتاب با ترجمه تینا حمیدی در مجله نافه شماره ۱۶-۱۷ منتشر شده است.

ادامه صفحه ۱۰۱

لحن، نقد زاویه دید، نقد حادثه، نقد صحنه و نقد نماد. البته معلوم است که احتیاجی به این همه تقسیم‌بندی نبوده و چند دسته از این نقدها را می‌توان در یک عنوان کلی‌تر قرار داد. مثلاً نقد زبان‌شناختی و نقد شکلی لاقبل ده مورد از این موارد را در خود جای می‌دهند.

بخش سوم کتاب به تحلیل سیر تاریخی نقد در ادبیات داستانی معاصر اختصاص دارد که مبنایش در این تقسیم‌بندی تحولات سیاسی است. نویسنده در این بخش می‌گوید: «جامعه آماری نقد نشان می‌دهد که قبل از ۱۳۳۰ توجه چندانی به نقد ادبی نمی‌شده و یا اینکه مطبوعات سال‌های قبل از سال ۱۳۳۲ به خاطر خفقان محدود بوده، ولی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ دوره رشد و شکوفایی ادبیات بوده است.» فکر می‌کنم با توجه به قسمت دوم، تقسیم‌بندی‌ای که تحولات سیاسی را مبنای تقسیم‌بندی ادبی می‌داند، قابل بحث است و ایرادهایی بر آن وارد است، زیرا اگر چه کمتر کسی است که نپذیرد تحولات سیاسی و اجتماعی بر روی مسایل ادبی تأثیر دارد ولی اینکه این تأثیر چگونه و به چه شکل و در چه زمانی خودش را نشان می‌دهد، میان منتقدان اختلاف نظر وجود دارد. مثلاً ممکن است در کشوری پس از وقوع جنگ، سی سال طول بکشد که داستان‌ها و آثار ادبی دیگر، آن حالت خاص جنگ و تبعات آن را در خود انعکاس دهند و این طور نیست که پس از وقوع یک حادثه اجتماعی، بلافاصله نویسندگان به خلق اثر در آن زمینه بپردازند، مگر این که دستوری و بخش‌نامه‌ای باشد که در این صورت بحثش جداست. پس می‌بینیم تقسیم‌بندی‌ای که صورت گرفته با جمله‌ای که خود نویسنده آورده، زیر سؤال می‌رود. البته آقای دکتر ذوالفقاری زحمت زیادی برای نوشتن این کتاب متحمل شده است و گردآوری این همه موارد مختلف در یک اثر، شایان تقدیر است و می‌توان در تحقیقات ادبی از کتاب یاد شده استفاده کرد.

تینا حمیدی

غربت و وطن

محمد رضا کوردری